

# ادبیات

# و

# سبکهای شعر فارسی



پژوهشگاه علوم گفتگوئی با دکتر حسین بحر العلوم  
استاد دانشگاه تهران

اشاره:

آنچه در این صفحات می خوانید حاصل مصاحبه ای است با استاد دانشمند و محقق برجسته معاصر: دکتر حسین بحر العلوم استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درباره ادبیات و سبکهای شعر فارسی. در این گفتگو استاد بحر العلوم نظریات عالمانه و ارزنده ای ارائه کرده اند که از هر حیث قابل توجه و سودمند است.

«گزارشگر»

● استاد محترم آقای دکتر بحر العلوم خیلی ممنون از اینکه قبول کردید بنشینیم بحثی کنیم در زمینه مسائل فرهنگ و ادبیات ایران در آغاز این بحث خواهش می کنم نظر خود را درباره ادبیات فارسی بطور اعم بیان فرمائید.



## دکتر بحر العلومی:

– پس از طاهریان و صفاریان، سامانیان که مردمی میهن دوست بودند حکومت یافتند و به همت امرای این خاندان و وزیران دانشمند و ایرانی دولتشان چون بلعمیها ادب فارسی رواج و رونق یافت و شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی، ابوشکور بلخی، مسعودی مروزی، ابوطیب مصعبی، فرالوی، ابوالمؤید بلخی، منجیک و امثال اینها پدید آمدند و در نشر نیز آثار گرانبهایی چون شاهنامه ابو منصور، تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری، حدود العالم و امثال اینها نوشته شد. در دوران غزنوی و بخصوص در روزگار محمود به منظورهای خاصی از شاعران تشویق بعمل می آمد و محمود صلوات فراوان به شاعران می داد تا آنجا که شاعر آن روز گار از نقره دیگران می زد و از زر آلات خوان می ساخت و شاعران زبردست و بزرگی در دربار می زیستند که اغلب تربیت یافتگان دوران سامانی بودند، اما بهر حال عطاهای محمود آنان را به کار شاعری سخت دلگرم ساخته بود، از شاعران معروف آن روزگار عنصری، فرخی، عسجدی و امثال آنان را می توان نام برد، شاعر بزرگ و عالیقدر ایران فردوسی نیز که کار عظیم خود را به سائقه میهن دوستی در روزگار سامانیان آغاز کرده بود در روزگار غزنویان آن را به پایان رسانید. نویسندگان بزرگی چون بیهقی و بنو نصرمشکان و دانشمندان عالیقدری چون ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا نیز آثار گرانبهایی به نثر پارسی پدید آوردند. نکته قابل توجه این است که نخست ادب فارسی در ناحیه خراسان و شمال شرقی ایران شروع به رشد و نمو کرد و اکثر شاعران و نویسندگان دوران سامانی و غزنوی از آن سرزمینها بودند، اما بتدریج در ناحیه قومس و ری نیز شاعرانی چون منوچهری، منطقی رازی، غضائری رازی و امثال اینها ظهور کردند. از آن پس بتدریج سرزمین آذربایجان مهد ادب فارسی شد و شاعرانی چون: قطران- تبریزی، مجیرالدین بیلقانی، خاقانی، نظامی و امثال آنان از آن ناحیه برخاستند. آنگاه نوبت عراق رسید و اصفهان مرکز ادب شد، جمال الدین محمد بن عبدالرزاق، خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل، رفیع الدین لنبانی، شرف الدین شفروه و امثال آنان از این ناحیه بودند پس از آن شیراز خداوند سخن سعدی و خواجه بزرگ حافظ را برای دنیای ادب فارسی در دامان خود پرورد. چون بنا بر اختصار است تنها به یادآوری این نکته بسنده می کنیم که پیوند نظم و نثر پارسی با منابع عظیمی چون قرآن و معارف اسلامی، علوم مختلف نجوم و ریاضی و پزشکی، داستانهای عاشقانه ایران و دیگر سرزمینها، حوادث و وقایع تاریخی، موجب تقویت و رنگ جلای خاص آن شد، تصوف نیز از منابع عظیمی بود که ادب فارسی از فیض آن بسیار بهره مند گردید. گذشته از اینها زبان و ادب پارسی از اواخر قرن چهارم هجری از مرزهای ایران گذشت و در سرزمینهایی چون هندوستان و آسیای صغیر پایگاههایی یافت و از ویژگیهای آن سرزمینها نیز بهره مند شد. امروز مردم ایران وارث زبان و ادبی هستند که بدون تردید دارای درخشانترین آثار منظوم و منثور است و برخی از این آثار دارای شهرت



واهمیت جهانی است و به زبانهای گوناگون ترجمه شده. ● در اینجا مساله ادبیات دوره سلجوقی و خوارزمشاهی مطرح می شود این مساله را از چه افق‌هایی نگاه می کنید و ادب این دوره‌ها را در چه خطوطی تبیین و توضیح می کنید؟

### دکتر بحر العلومی:

در دوره سلجوقیان شعر و ادب پارسی که خاص خراسان بود در سرزمینهای دیگر نفوذ و رسوخ یافت و آذربایجان و عراق مهد شعر و نثر شد، در آذربایجان یک قرن پس از قطران ابوالعلاء گنجوی و خاقانی و نظامی و مجیر پیدا شدند. آثار این شاعران اختصاصاتی دارد و بسببکی خاص است و باید آنرا سبک آذربایجان نامید. اما در عراق بقدریج شعر از روش شاعران خراسان و سبک خراسانی دور شد و لطافت و شیرینی خاص یافت و مقدمه پیدا شدن سبک عراقی فراهم گردید، اقبال و توجه سلجوقیان به تصوف و متصوفه و علل دیگر سبب شد که عرفای بزرگ و عالیقدری در نقاط مختلف ایران پرورش یابند و نظم و نثر پارسی با اندیشه‌های عارفانه و آثار دل‌انگیزشان رنگ و رونقی دیگر یابد. آثار سنائی، عطار، باباطاهر، خواجه عبدالله انصاری و امثال آنان در میان آثار ادبی این روزگار جلوه و درخشندگی خاصی دارد. برخی از آثار منثور این روزگار نیز چون قابوسنامه، سیاستنامه، چهارمقاله و امثال آنها از شاهکارهای نثر پارسی به حساب می آید. ناصر خسرو که از دانشمندان بنام و شاعران بزرگ ایرانست آثار منظوم و منثور خود را که رنگی خاص دارد در این روزگار بوجود آورد و ریاضی‌دان بزرگ حکیم عمر خیام نیز رباعیهای فلسفی و دلنشین خود را در همین دوران سرود. بعضی از شاعران این روزگار و از جمله انوری، معزی، سید حسن غزنوی، عثمان مختاری، مسعود سعد، ناصر خسرو، سنائی و امثال اینها اطلاعات و معلومات وسیع خود را در زمینه‌های علمی و فلسفی در شعر بکار گرفتند و آثارشان مشحون از نکات علمی و فلسفی است، اما قالبهای شعر در این روزگار چندان تغییری نکرد و اغلب سخن‌سرایان اندیشه‌های خود را در قالب: قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و قطعه بیان داشتند و تنها مستزاد و شهر آشوب در این عصر بر قالبهای شعر افزوده شد. در این دوره به‌ترکیب‌بند و ترجیع‌بند نیز بیش از دوره‌های پیش توجه شده و نمونه عالی آن ترکیب‌بند جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی در نعت رسول اکرم است. بطور خلاصه در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی نظم و نثر پارسی به سیر طبیعی خود ادامه داد، و روبه تکامل و ترقی بود، و در آن از منابع مختلف نیز استفاده شد.

● بی تردید این تحول در شعر فارسی ادامه می یابد و در اینجا این بحث پیش می آید که شعر در دوره صفویه چه رنگ و کم و کیفی بخود می گیرد؟

### دکتر بحر العلومی:

در آن روزگار که صفویه در ایران حکومت داشتند در هندوستان گورکانیان (امپراطوران



مغولی هند) که اولاد ظهیرالدین بابر بودند فرمانروایی داشتند، تقریباً صدسال بعد از تیمور نبیره او ظهیرالدین محمد بابر ابراهیم لودی آخرین پادشاه لودیه را برانداخت و تشکیل سلطنتی داد و اعقاب او حدود سیصد و پنجاه سال در هندوستان فرمانروایی کردند. این خاندان را «مغول کبیر» یا «بابریه» یا «گورکانیه» می نامند و پادشاهان معروفشان عبارت بودند از: ظهیرالدین بابر، نصیرالدین همایون، جلال الدین اکبر شاه، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب پادشاهان این سلسله به شعر و ادب پارسی علاقه خاصی داشتند و دربارشان مجمع شاعران و نویسندگان بود که غالباً از ایران به هندوستان مهاجرت کرده بودند، علت رفتن این شاعران به هندوستان آن بود که دربار پادشاهان صفوی مشوق آنان نبود و متاع آنان در دستگاه صفویه چنانکه باید خریدار نداشت. داستان محتشم کاشانی و قصایدی که به دربار طهماسب فرستاد و مورد توجه قرار نگرفت معروف است و از این رو است که در این روزگار شاعران به دنبال بازار پر رونقی می گشتند که خریدار متاع آنان باشد و دربار بایریان خریدار این متاع بود و رسیدن شاعر بدان دربار برای او موجب یافتن مال و مکننت و مقام می شد.

بهمین سبب است که می بینیم بسیاری از شاعران این عهد آرزوی رفتن به هندورسیدن به جاه و مال را در آن سرزمین دارند. مثلاً صائب می گفت:

همچو عزم سفر هند که در هر دل هست      رقص سودای تو در هیچ سری نیست که نیست  
و ابوظالب کلیم می سرود:

ز شوق هند زانسان چشم حسرت بر قفا دارم      که رو، هم گر برای آرم نمی بینم مقابل را  
و علیقلی سلیم می گفت:

نیست در ایران زمین سامان تحصیل کمال

تا نیامد سوی هندستان حنا رنگین نشد  
رواج و رونق شعر پارسی را در هندوستان آن روزگار از کتیبه هائی که بر در و دیوار عمارات ارزشمند بایریان نقش است بخوبی میتوان دریافت، مثلاً بر سر در ورودی قبر اکبر شاه می خوانیم:

طاقی که از رواق نهم چرخ برتر است      روشن ز سایه اش رخ تابنده اختر است  
این طاق زیبانه فلک و هفت کشور است      از روضه منوره شاه اکبر است  
و در تاج محل می خوانیم:

زهی مرقد پاک بلقیس عهد      که بانوی آفاق را گشته مهد . . .

بهر حال در این دوره سبک خاصی در شعر و بخصوص در غزل پیدا شد که چون بیشتر طرفداران آن در دربار امپراطوران هند بسر می بردند به سبک هندی معروف است و از اختصاصات آن مضمون سازی است که شاعران آن عهد را به خیال بافی و ریزه کاری واداشته و مثلاً صائب سروده است:

گر گدای ژنده پوشم جای ننگ و عار نیست      کهنه می بندند بر نخلی که صاحب حرمت است  
مبالغه در آوردن تمثیل نیز از اختصاصات این سبک است:



در دوره تجرید بزرگی بنسب نیست عیسی به فلک برد سر بی پدری را آوردن الفاظ عامیانه و فراوانی استعاره و کنایه ، پرداختن به لغز و معما نیز در این روزگار و در این سبک متداول و معمول بوده است . آنچه مسلم است اینست که در این دوره شاعری که بتواند او را در ردیف شاعران بزرگ و درجه اول ایران قرار داد پدید نیامده است .

● در پایان این گفتگو خواهش می کنم خوانندگان مجله هفت هنر را با خودتان و آثار و تحقیقاتتان بیشتر آشنا کنید .

### دکتر بحر العلومی :

– «تحصیلات مقدماتی من در مدارس قدیم و جدید اصفهان بود و از سال ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۲۲ در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات تحصیل کردم و به اخذ لیسانس در زبان و ادبیات پارسی نائل آمدم و بلافاصله در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی به تحصیل مشغول شدم و با استفاده از محضر استادان عالیقدری چون مرحوم فاضل تونی ، شادروان ملک الشعراء بهار ، روانشاد بدیع الزمان فروزانفر ، روانشاد احمد بهمنیار ، روانشاد ابراهیم پورداود ، مرحوم عباس اقبال و دانشمند محترم سید کاظم عصار و مرحوم تدین و استاد بزرگ جلال الدین همایی این دوره را پایان رسانیدم .

از سال ۱۳۲۲ در وزارت آموزش و پرورش به کار مشغول شدم و مشاغل مختلف : دبیری ، نظامت دبیرستان ، ریاست اداره روابط فرهنگی ، بازرسی اداری ، بازرسی فنی ، مشاورت تعلیماتی ، مشاورت تعلیمات ابتدائی ، کارشناسی مطالعات و برنامه ها ، همکاری با بنیاد فرهنگ و امثال اینها را داشته ام و اینک چند سال است که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغولم ، در اینجا نیز مدتی ریاست اداره آموزش و مدتی سرپرستی دانشجویان را داشته ام و اکنون نیز علاوه بر تدریس ، سرپرستی امور پژوهشی دانشکده بعهده اینجانب است . دیوان خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل اصفهانی را به انضمام رساله القوس با حواشی و تعلیقات مفصل به طبع رسانیده ام و یک دوره پنج جلدی کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات برای دوره دبیرستان در محضر مرحوم فروزانفر با همکاری سه نفر از دوستان فاضل فراهم آورده ام و سه جلد کتاب صرف ونحو و قرائت عربی در محضر استاد همایی و با همکاری چند تن از دوستان دانشمند برای دبیرستان نوشته ام مقالات متعددی نیز در مجله دانشکده ادبیات و مجله یغما و مجلات دیگر نوشته ام . و اکنون به کار تصحیح و امق و عذرای نامی مشغولم ، در کنگره های مختلف از قبیل مجلس بزرگداشت بیهقی ، کنگره حافظ و سعدی ، کنگره های ایران شناسی و امثال آنها شرکت داشته ام و خطابه هایی ایراد کرده ام که در ضمن خطابه های آن کنگره ها چاپ شده است . در تدوین برنامه های دوره راهنمایی و دبیرستان نیز شرکت داشته ام ...

● متشکریم .